



۲۰۱۵/۰۲/۱۷



صالحه وهاب واصل

نادره خیری یک خانم هنر مند و خدمتگار معارف افغانستان زندگینامه مختصر نادره خیری از زبان خ



نادره خیری دختر بزرگ استاد خیر محمد خان یاری، نقاش برجسته و نامدار افغانستان است. نادره خیری سالها قبل زمانی که دوشیزه کوچکی بود، همراه با پدرش که از کابل از طرف والی وقت هرات برای قبول وظیفه جدید به حیث آموزگار دعوت شده بود عازم هرات شد. نادره جان با خواهرانش آصفه مهر اعتمادی و شفیقه وهاب در هرات شامل مکتب گردیدند.

وی می گوید: در مکتبی که ما شامل شدیم معلمین ما همه علما و شاعران نامدار و شهیر بودند که از فیض و برکت آنها و تشویق خانواده با فرهنگ ما، ما خواهران همچنان علاقمند آرت و هنر شدیم. دو شاعره معروف هرات «محبوبه هروی» و «حانقه هروی» با شاعر مشهور دیگر جناب مرحوم کاکا عبدالفتاح خان، از جمله معلمین ما بودند. بعد از ختم مکتب ابتدایی شامل مکتب لیسه مهری هرات گردیدیم در آنجا استاد الجبر من حاجی حسن خان بود که یکی از استادان خوب و لایق به شمار میرفت که من هم در کنار شوق و استعداد خودم و با کوشش های ایشان در این مضمون بسیار لایق شده بودم. بعد از ختم مکتب به حیث معلم الجبر و حساب بعد از پاس کردن امتحان به امر مهرباب الدین خان مدیر معارف به حیث معلم الجبر در همان لیسه تقرر یافتم.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

بعد مدتی از این مکتب تبدیل شده به حیث سر معلم مکتب بازر قندهار هرات مقرر گردیدم . چند سال بعد تر پدرم دوباره بکابل برگشت و من در مکتب محجوبه هروی معلم و به تعقیب آن در مکتب میرویس و بعد از آن در مکتب تجربوی دارلمعلمین معلم و مدرس شدم از آنجا به نماینده شورای شهر مقرر شده در اوقات فراغت به کورسهای صنایع مستظرفه شامل و نقاشی را تمرین میکردم در آنجا پدرم و استادان دیگر مانند جناب یوسف کهزاد، خیر محمد خان عطایی و غیره به حیث معلمین آرت ما درس میدادند و محیط کلاً هنرمندانه و فضای زیبای هنری جریان داشت که شاگردان با استعداد تشویق میشدند در حین زمان در چند نمایشگاه نقاشی در داخل افغانستان شرکت نمودم که مرا به چندین تصدیق نامه از وزارت معارف و اطلاعات تشویق نموده در ضمن دو مدال هنر و خدمت را هم اخذ نمودم. جهت نمایش آثار نقاشی ام مرا به روسیه فرستادند که با گمی استقبال گردیده با گرفتن مدالی بسیار تشویق شدم (مدال های پوهنه، صداقت و هنر)



دو مرتبه دیگر هم از طرف شورای شهر به روسیه سفر نموده در آنجا مهمان هنرمندان روسی بودم که از شهر های ماسکو، سوچی و اطراف بحیره سیاه دیدن کردم. در وقت شروع جنگ داخلی مانند اکثر وطنداران خود از افغانستان فراری شده عازم پاکستان گردیدم که متأسفانه تمام تابلو های من با دار و ندارم مانند هزاران هموطن دیگرم در افغانستان ماند. فقط توانستیم حیات خویش را نجات داده از وطن فراری شویم که به شهر المیدای کالیفورنیا مقیم شدم. بعد از مدتی توانستم فقط دو تابلو خود را توسط خواهرم از افغانستان کشیده به امریکا بیاورم. من تابلو های زیادی به فرمایش وزارت ها و دفاتر در کابل ترسیم نموده ام همچنان در ایام جشن چندین پورتریت زمامداران را طبق امر ایشان ترسیم نمودم که مورد تشویق همه قرار گرفته بود. یک پورتریت سردار داؤد خان را در زمان او ترسیم کرده بودم که جناب معین صدارت حسن شرق برایم مبلغ پنجهزار افغانی تحفه داد و بسیار تعجب نموده بود که توسط من (یک زن) ترسیم شده بود. فرمایشات زیادی از دوستان و

علاقمندان آرت داشتم که متأسفانه نمیانم آن تابلو ها در افغانستان از بین رفته یا هنوز هم بعضی از آنها وجود دارند. از چند سال بدین طرف نسبت به کهولت سن و سال، چشمانم ضعیف شده است و نمی توانم به هنرم ادامه بدهم. کنون هنوز هم در شهر المیدا در کالیفورنیا زیست دارم. و خوشحالم که وضع نا به سامان مملکت رو به بهبود است. تمام امید واری من به طرف نسل جوان ماست که این هنر ناب و قدیمی کشور شان را با پیروی از آثار داشته بزرگان هنر و آرت و ابتکار و آرت جدید همیشه زنده و ماندگار نگهدارند و برای هنر و فرهنگ افغانستان مساعی و کوشش های صادقانه و خالصانه را به خرج دهند. من حیث یک هموطن و یک نقاش سابقه دار و با تجربه برای شان موفقیت بی شمار آرزومندم .

پایان

د پانوی شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
پاډونه: دلپکنی د لپکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ